

مؤلفات در افغانستان

نویسنده م : کریم خان نژی

از مدتی در نظر داشتم که فهرستی از کتب و مولفه در افغانستان ، ترتیب و بمطالعه هموطنان تقدیم نمایم ، چه دانیم تاریخ مملکت در نتیجه حوادث پر آشوب روزگار در حالت احتضار اوفزاده ، و اگر پرداختی بآن نشود ، این رشته مهم پیچیده تر خواهد شد .

متأسفانه عدم تعدد مأخذ و کتب درین موضوع (مؤلفات افغانستان) ، حتی نایاب کتب مطبوعه از قبیل کشف الظنون چلبی و فهرست ابن الندیم و غیرها درین محیط ، نظریات ما را به تویق می انداخت ، ترس از فوت وقت اخیراً تقاضی آن شد که با هر چه هست ساخته و افلاک درین زمینه قدمی برداشت . چه بجالا وظیفه و نصب العین کار کنان انجمن ما در مواضع تاریخی مملکت ، همان فتح باب و کشودن راهی است ولو ناقص و پریشان باشد ، زیرا در آینده مرور زمان و طبقات نورسته مملکت این قبیل آثار را اجمال خواهد نمود .

پس شروع می‌نمایم : مقصد ولی قبلاً ملتفت باید بود که ما در نوشته های خود از رعایت ترتیب قرون و سالها و یا الفبای اسامی کتب یا اسامی مؤلفین ، منصرف خواهیم بود .

و علی العجالة هر مؤلفی که در نظر بر خورد ، مؤلفاتش پیهم در نهایت اختصار نوشته می آید . باری اگر حوادث مجالی داد . امید است که در آینه مقالات مذکور رعایت ترتیب حروف هجی بشکل یک رساله مستقلاً درآورده خواهد شد *فرستی*

یکی از آثار برجسته شرق و تقریباً داثره المعارف است

الشفا فی المنطق : در هژده (۱۸) مجلد . مصنف آن ابوعلی الحسین ابن عبدالله

ابن سینا معروف بشیخ الرئیس ، از اجله اطبای روزگار

واعظم فلاسفه اسلام و مایه افتخار افغانستان است .

شیخ در دومین دوره وزارت خود ابتدا به تصنیف قسمت طبیعیات (کتاب شفا)

نمود . اما پس از وفات شمس الدوله ، زمانیکه در همدان (بمنزل ابو غالب عطار) متواری

میز یست . درخواست آتام شفا ازو کرده شد . لهذا ؛ جمیع قسمتهای طبیعیات و الهیات شفا را (سوی دو کتاب حیوان و نبات) در عرصه (۲۰) بدست روز در آن زمان نگاشته ، آغاز به تصنیف قسمت منطق شفا نمود . و این قسمت را نیز با مجسطی در اصفهان با کمال رساند . اما کتابهای حیوان و نبات آنرا پس از چندی ، در سالی که ، علاء الدوله متوجه (سابور خواست) شد ، و شیخ با او همراه بود ، در عرض راه تصنیف نمود . شفا : روایت استاد محمد لطفی جمعه در علوم فلسفی دارای تقسیمات سه گانه بقرار ذیل بوده است .

(۱) علوم عالیه ؛ علومیکه مجرد از ماده بوده و علاقه با آن ندارد : — حکمت الهی یا ماورای طبیعت (میتا فزیک)

(۲) علوم دنیا : علوم خاصه بماده (طبیعیات و توابع آن) یعنی علم خاصه موجودات مادی اعم از آنکه ماده در آن ظاهر یا او از ماده ناشی بوده باشد .

(۳) علوم وسطی : علومیکه گاه بماده و گاه بماوراء طبیعت تعلق میگیرد . (ریاضیات) چنانچه حساب طبیعه علاقه با ماده نداشته ، لکن عذر الاقنضا اتصال بآن می یابد . و یا هندسه : مخصوص بموجودات نیست که با وجود غیر محسوس (بحواس ظاهری) بودن ، تخیل آن بدون اتصال اشکال موصوف بماده ممکن است .

ازینجا مقدار کلی استفاده شیخ ، از عقائد و افکار ارسطو ظاهر شده دلیل قاطعی به تعقیب او (از ارسطو) راجع به تقسیمات علوم میتواند شد . چه ارسطو نیز فلسفه نظری خود را منقسم بسه قسمت (ریاضیات ، طبیعیات و الهیات) نموده است . (تاریخ فلاسفه الاسلام ص ۵۷ طبع مصر) ، *جامع علوم انسانی*

مخور اسرائیل (یکی از تلامذه میرز فلسوف دا کتر رضا بوفیق) مینکار رد که در قسمتهای اول شفا یک قید شلیان دقتی موجود ، و ازان استنباط میشود که شیخ این کتاب (شفاء) را ، محض بجهت تعریف و ایضاح نظریات مشائیون (ارسطو و پیروان او) تصنیف نموده ، و لکن عقائد و نظریات فلسفی مخصوص خود را در تصنیف دیگری (که دائر بفلسفه شرق است) مفصلاً ذکر کرده و برای دانستن عقائد او مطالعه کتاب

من) بود لازم است ولی متأسفانه الواح خطی بخوردن و روزگار بکلی از بین رفته و اثری از آن
امروزه بمیان نیست (تاریخ فلسفه ترجمه بخور امیر ایل ص ۲۴۲ طبع اسلامبول)
و همان است که تشریحات مذکور بخوبی ادعای مذکور را (راجع به پیروی شیخ در شفا
از ارسطو) تا کید و ایضاح نماید . که موضوعات مندرجه آن (شفا) ربطی بعقاید شخصی
شیخ نداشته ، محض برای افاده و ترویج فلسفه مشائی نگاشته شده است .

و امروز از شفا سوای يك نسخه کاملی که در دار الفنون اصفهان محفوظ است ،
متأسفانه از وجود نسخه کامل دیگری از این اطلاعی در دست نیست (ص ۵۵ تاریخ
فلسفه الاسلام) لطیف امدان بقا را در میان سالها از شفا آن . فقال له انه
و بقرار روایت مرحوم کاتب چلبی (صاحب کشف الظنون) شفا از طرف ابو عبد الله محمد
ابن احمد الادیب تجانی (صاحب تحفة العروس) شرح گردیده ، همان شرح
و همچنین شمس الدین عبدالحمید ابن عیسی خسرو شاهی تبریزی (۱) (متوفی ۶۵۲
هجری) آنرا اختصار نموده (کشف الظنون جلد دوم ص ۶۴ طبع اسلامبول)

و این کتاب تلاطمات و تحولات بسیار داشته و در این کتاب نیز به بیان آن
که در لغت ادیبان و لغت رجال با کمال آراغ سال امدان علی الاطلاق
از آثار برگزیده شیخ و تقریباً مختصر و موجز شفا است .
مصنف آنرا محض بنا بر خواهر و رضای دوستان خود تصنیف
نموده است و از مقدمه ثبکه (راجع بشرح احوال شیخ
ابن سینا) منطبق المشرقین و قصیده مزدوجه او در منطق
از طرف المكتبة السلفية (در سنه ۱۹۱۰ بمصر طبع و انتشار

(۱) شمس الدین خسرو شاهی : سید عبدالحمید ابن عیسی از مشاهیر حکما و تلمیذ ابن
خطیب الریك است ، تولدش در خسرو شاه از قراء تبریز اتفاق افتاده ، بعدها وارد شام ، و در آنجا
مورد توجه و اکرام ملك ناصر صلاح الدین داود ابن ملك معظم واقع گردید ، و گویند که عبود الحکمة
شیخ را ملك مذکور از نزد او تعلم مینمود ، علاوه بر حکمت در فقه ، حدیث و سایر علوم نیز
مهارتی بسزا داشته ، ربال ۶۵۲ در دمشق وفات نمود (در سال ۶۵۲)

یافته : ظاهر میشود که شیخ در حینیکه بهمرا کانی علاء الدوله روانه سابلور خواست (۱) بود، (همچنانیکه اشاره رفت در عرض راه دو کتاب راجع بحیوان و نبات شفا را تصنیف نمود) نجات را نیز (در همان زمان) در عرض راه تصنیف و اختصاص بعلاء الدوله داد، و در ردیف ندمای او درآمد .

درین اواخر یکی از نسخ قلمی آن که بسال ۱۰۶۲ هجری بنگارش رسیده و (بواسطه یکی از دوستان فاضل خود بمطالعه آن نائل شدم) از دیباچه آن صریحاً معلوم میشود که تصنیف این کتاب بنا بر التماس و خواهش دوستان او بوده است . و چنین مینگارد، فان طائفة من الاخوان والذین لهم حرص على اقتباس المعارف الحکمیة، سألونی ان اجمع لهم کتاباً، یشتمل على ما لا ید من معرفة لمن یوثر ان یتمیز عن العامة وینحاز الى الخاصة . و یکون له بالاصول العلمیة ما لا ید منه فی معرفة القدر الحکمیة احاطةً وسألونی ان ابداء فيه بافادة الاصول من علم المنطق ثم اتلوها بمثلها من علم الطبیعیات ثم اورد من علمی الهندسته و الحساب ما لا ید من معرفته فی معرفة القدر الذی افیده من البراهین علی الریاضیات و اورد بعده من علم الهيئة ما یعرف به حال الحركات و الاجرام و الابعاد و المدارات فی الاطوال و العروض دون الاصول التي یحتاج اليها فی التقاویم و ما یشتمل علیه الزیجات مثل احوال المطالع و الزوايا و تقویم المسیر بحسب تاریخ تاریخ و غیر ذلک و ان اختم الریاضیات بعلم الموسیقی ثم اورد العلم الالهی علی ابین وجه و او جزه و اذکر فيه حال المعاد و حال الاخلاق و الافعال النافعة فيه لدرك النجاة من الفرق فی بحر الضلالت فاشفقتم بذلك و صنفت الكتاب علی نحو ملتصقهم مستعینا بالله و متوکلًا علیه .

این کتاب که بمطالعه نویسنده سطور رسیده، محتوی فصول متعددی و مشتمل بر هفت قسمت :-

(۱) منطق (۲) طبیعیات (۳) اصول هندسه (۴) آرنماطیق (۵) هیئت (فلكیات)

(۱) باشاپور خواست در ده (۱۰) فرسخ از اشتر واقع و فربه نیست بین لور و نهاوند . مسافت آنالی اشتر ۱۰ و از اشترالی نهاوند ۱۲ مجموع ۲۲ فرسخ میشود . اما فاصله بین آن و لور (۳۰) فرسخ زمین خالی از آبادی است (معجم البلدان ج ۵ ص ۴ . قاموس الاعلام ج ۴ ص ۲۴۷۱ .

(۶) موسیقی (۷) الهیات است .
 باستان‌شناسی قسمتهای منطق ، طبیعیات و الهیات ، مابقی آن که عبارت از مجموع قسمتهای ریاضی بوده ، و مصنف (شیخ) در دیباچه کتاب اشاره به آن کرده است . همگی بقلم ابو عبید عبد الواحد ابن محمد الجوزجانی تألیف یافته ، و بر سیل تمه در بین قسمتهای طبیعیات و الهیات افزود شده است .

و چنانکه خود مؤلف (ابو عبید) (۱) در مقدمه آن تذکار می نماید ، علت عمده تألیف این قسمت را چنین شرح داده مینویسد ؛ هنگام اتصال خود بخدمت شیخ براقثناء تصانیف و تحصیل کتب و رسائل او نهایت حریص بودم . و از جمله تصانیف بزرگ او (شیخ) بعد از شفا این کتاب (اعنی نجات) است و در آن از منطق ، طبیعیات و الهیات بطوریکه دیده شد بحث رفته . و بنا بر عوایتی که دامنگیر او شد ، تفرغی برای ایراد قسمتهای ریاضی آن حاصل کرده نتوانست ، کتاب مذکور را بدون ریاضیات باقی گذاشت .

و از آنجائیکه در نزد من کتب مصنفه او (شیخ) در ریاضیات موجود بود . بمثل کتاب او در اصول هندسه (مختصر کتاب اقلیدس) که در آن مقداری از هندسه ذکر یافته که اگر کسی آنرا بداند راهی به معرفت مجسطی خواهد یافت .

و کتابی در ارساد الکلیه و معرفت ترکیب افلاک ، (تقریباً مختصر از مجسطی) و کتابی در علم موسیقی . پس دیدم اگر رسائل مذکور را در ریاضیات ، تصنیف نمایم هر آینه تمام مصنفات او (شیخ) بطوریکه اشاره در دیباچه کتاب نموده است کامل میشود .

مر آن هنگامیکه در آرتماتیک رساله از شیخ (که شباهتی باین رسائل بهرساند) موجود نیافتم ، مناسب دیدم اینکه از کتاب او در آرتماتیک ، رساله فی را نیز مختصر نموده آنرا تودیع نمایم ، تارهنائی بمعرفت علم موسیقی و نسبتهای مستعمله که در آن است نماید . لهذا این قسمت را نیز اضافه نمودم .

(۱) ابو عبید عبد الواحد ابن محمد الجوزجانی از تلامذ و مصاحبین ابن سیناست ، علاوه بر قسمت ریاضیات نجات شرح حال مفصلی از شیخ را نیز نگاشته است .

و عیناً منطوق همین کلام را کاتب چلبی نیز با اندک تخریبی در جلد دوم کشف الظنون بیان مینماید (کشف الظنون ۵۸۵ جلد دوم طبع اسلامبول) .

و همچنین اصل عربی آن که در سنه ۱۵۹۳ میلادی بعد از کتاب قانون (شیخ) بر رومه بطبع رسید ، نیز دارای سه قسمت منطق ، طبیعیات و الهیات بوده ، فاقد ریاضیات است . که مصنف در دیباچه اشارتی بآن نموده است (ص ۵۵ تاریخ فلاسفه اسلام طبع مصر)

ترجمه های شفا و نجات چندین مرتبه بشکل کامل و متفرقی بلسان لاتینی بطبع رسیده . و از انجمله مجموعه نیست که بسال ۱۲۹۵ میلادی در بند قیه طبع و اشاعه یافت ، و شامل قسمتهای ذیل است .

(۱) منطق (۲) طبیعیات (مقتبس از کتاب شفا) (۳) السماء و العالم (۴) الروح (۵) حیاة الحیوان (۶) علی العقل (۷) فلسفة الفارابی علی العقل ، که در نفس الامر هر يك كتابیست مستقل در موضوعات مذکور .

و بعلاوة شخصی از علمای فرانسه (موسوم به ناویه) نیز رساله منطق او (بظن غالب منطق نجات) را ، بفرانسوی ترجمه ، و در سنه ۱۶۵۸ میلادی بیاریس نشر نمود . هکذا علامه شمولدز ، نیز ارجوزه منطق او را در مجموعه فلسفه عربی بطبع رسانید ، اما راجع بشروحي که بر نجات نوشته اند . (باستثنای شرحی که محمد الحارثی سرخسی بآن نگاشته) (کشف الظنون ج دوم ص ۵۸۵ طبع اسلامبول) اطلاعی که قابل تذکر باشد در دست نیامد .

رتال جامع علوم انسانی

القانون : نیز یکی از مولفات قابل اهتمام شیخ و دائر در طب است . این کتاب بقرا ریکه جرجی زیدان می نویسد . مشتعل بر قسمتهای کافی و مهمی در فنون طب از قبیل تشریح ، فیزیولوژی (وظائف اعضا) پاتولوژی (علم الامراض)

نباتات، صیدله (دوا سازی) و غیره بوده (مدنیت اسلام ج ۳ ص ۳۵۰ طبع اسلامبول) یکی از بزرگترین و جا معتبرین کتبی است که در طب تالیف یافته.

و بنا بر اطلاعاتی که بنظر میخورد؛ از قرن ۲؛ تا قرن هفده میلادی در اکثریه از مدارس اروپا جزو پروگرام درسی در علم طب بشمار میرفت. بلکه تا سال ۱۶۵۰ میلادی نیز در کلیات لوفان و مونبلی (تدریس میشد).

شیخ قسمتی ازین کتاب را بچرخان و قسمتی از آنرا در ری، تصنیف نموده، بهمدان آنرا اكمال نمود. که مجموع آن عبارت از (۱۴) چهارده مجلد است. (ص یو ترجمه حال شیخ با منطق المشرقین طبع مصر)

قانون: محتوی جمیع قوانین کلیه طب نظری و عملی بوده، متضمن معلومات وسیعی در امور کلی علم طب، تشریح، علم الامراض، ادویه مفرده، امراض جزئی جمیع اعضاء، امراض جزئی مخصوص هر عضو و ترکیب ادویه است. که مجموع آن به پنج قسمت تقسیم یافته. قسمت های اول و دوم، شامل علم وظائف اعضاء و علم امراض و حفظ الصحة بوده، و در قسمت های سوم و چهارم آن از وسائط مداوات بحث می راند. اما قسمت پنجم آن عبارت از وصف علاج و ترکیب ادویه مخصوص آن است. که شیخ از روی تجارب و ملاحظات خاصه خود آنرا نگاشته (ص بیج ترجمه حال شیخ و کشف الظنون جلد ۲ ص ۲۱۶)

و بنا بر روایت بعضی از روایات؛ طب ابن سینا (در قانون) از رهگذر کثرت وسعت و بسط خود، اختلافات مهمی با طب رازی (محمد ابن ذکریای رازی) در کتاب (الحاوی) بهم میرساند.

و همچنین در قیمت و اهمیت طبی قانون نیز اختلافاتی موجود است، و اگر درینجا بطور مختصر چیزی از آنرا متذکر شویم بد نخواهد بود.

بعضی قانون را از جمله خزان حکمت معدود دانسته و برخ دیگری (مانند ابن

زهر اندلسی (۱) آنرا از قبیل اوراق و نوشته جات مهمل و خالی از فائده حکم میکنند . و بلاکه بعضی آنرا (قانون) از رهگذر ابهام در کشف امراض و کثرت انواع خواص اجسام بشری ، که در آن مذکور است عیب گیرها نموده اند . و شاید که همگی در جای خود صحت داشته باشد . چرا که طب شیخ (در قانون) باطب رازی (در الحاوی) در اساس و اصول خود اختلاف نمایی دارد ، زیرا شیخ در قانون بخلاف جمیع اسلاف خود ، که متابعت از جالینوس مینمایند ، بطریقه ارسطو پیروی از طب بقراط کرده ، و علاوه بر آن تعمق او در منطق نیز بمایه اختلاف آن افزوده است (ص بیج ترجمه حال شیخ) و از جمله شراح قانون ؛ یکی ابن نفیس (۲) علامه الدین علی ابن الحزم القرشی شافعی (متوفی ۶۸۷ هجری) و دیگری یعقوب ابن ابی اسحق طیب است ، که هر یک کلیات قانون را شرح نموده اند ، و بقراری که چاپی در کشف الظنون ، سیوطی ، در بغیة الروعاة ، شمس الدین سامی در قاموس الاعلام و فاضل هندی عبدالحی بحواله اسنوی در فوائد بهیه بیان میکند (کشف الظنون ص ۲۱۶ ج ۲ - بغیة الروعاة ص ۳۸۹ قاموس الاعلام ج ۵ ص ۳۶۷۳ فرآید بهیه در حواشی ص ۱۲۶) علامه قطب الدین محمود ابن مسعود ابن مصلح فارسی ابو الثناء شیرازی (متوفی ۴ رمضان ۷۱۰ هـ) نیز در سنه ۶۷۴ شرحی به قانون نگاشته است . و پرتیغه نماید که این شخص ابو عبدالله محمد (یا محمود ابن محمد) قطب الدین رازی معروف بقطب تبتانی شارح مطالع و اشارات که (که در وطن عزیز ما بعلامه قطبی مشهور است)

(۱) ابو العلاء (زهر ابن ابی مروان عبد الملك) معروف بابن زهر (بضم زای معجمه متوفی ۵۲۵ هجری) از مشاهیر اطباء و ادبای اندلس و منسوب بیکی از خاندانهای بزرگ اشبیلیه مشهور بآثاره ابن زهر است . در طب فرید عصر خود بوده ، در تشخیص امراض و تشقیه مرضامهار نهای فوق العاده از او بظهور پیوسته در علوم حکمیه ، طبیعی و ادبیات نیز بد طولی و لیاقتی بسزا داشت . هنگام دخول قانون شیخ بقریب ، نسخه از آن بمطالعه این بزرگوار رسید ، و مقاله در رد آن نیز نگاشته . در طب تألیفات مهم و بزرگی از قبیل (الادویة المفردة) ، (حل شکوک الرازی علی کتب الجالینوس) و (مجربات) داشته ، ابو بکر (محمد ابن مروان) معروف بابن زهر طبیب و شاعر مشهور اندلس غیر حقیقت او است :

(۲) ابن نفیس : علاء الدین علی ابن الحزم القرشی الشافعی متوفی (۶۸۷) هجری رئیس طبای عصر خویش بوده ، بعضی تصانیف مفیده در علم طب دارد .

نیست (رجوع شود به بغیة الوعاة سیوطی بماده محمود . و در فوائد بهیه بماده علی ابن محمد ابن علی معروف بسید السند جرجانی) .

هکذا امام فخرالدین محمد ابن عمر الرازی (متوفی ۶۰۶) معروف بفخر رازی نیز شرحی بالای کلیات قانون دارد . و دیگر از شارحین قانون ، امین الدوله حکیم (۱) ابوالفرج یعقوب ابن القف النصرانی الکرکی (متوفی ۶۸۵ است) که بالای کلیات قانون شرحی به شش مجلد نگاشته است . و همچنین حکیم فاضل یعقوب ابن غنائم (۲) معروف به موفق السامری (متوفی ۵۸۱ هجری) نیز کلیات قانون را شرح و در آن شکوک نجم الدین ابن منفاخ (۳) را تحلیل نموده است .

و سدید گازرونی ؛ نیز در سنه ۷۴۵ قمری بالای کلیات قانون ، شرحی مسمی بتوضیحات القانون نگاشت . و همچنین از طرف علی ابن عبدالله الشهیر بزین العرب مصری نیز شرحی بسال (۷۵۱ هجری) بالای آن (کلیات قانون) نوشته آمده است .

(۱) امین الدوله حکیم ابوالفرج یعقوب ابن القف النصرانی الکرکی : از مشاهیر اطباء عرب و نصرانی المذهب است ، تولدش بسال (۶۳۰ هجری) در کرک باتفاق پیوسته و پدرش از منشیان یکی از ملوک ایوبیه بوده است . طب را از نزد ابن اصبیحه (صاحب عیون الانبأ فی طبقات الاطباء) تحصیل نمود ، در دمشق و بعضی نقاط دیگر بطبابت اشتغال داشت . از کتب مصنفه مشهور او یکی الشافی در طب (شش مجلد) و دیگری شرح کلیات قانون شیخ است . اشارات را نیز شرح نموده است اما ناتمام .

(۲) یعقوب ابن غنائم معروف بموفق السامری : از معارف اطباء و حکمای اسلام و به نهر و مهارت کامل در امور مداوات و بوسعت معلومات در علوم حکمیه مشهور است ، در دمشق الشام تولد و نشوونما یافته و در سنه ۶۸۱ هجری وفات نمود . از تصانیف برجسته او شرح کلیات قانون ، حل شکوک نجم الدین منفاخ علی الکلیات ، کتاب المدخل الی علم المنطق والطبیعی والالهیات است .

(۳) نجم الدین ابن منفاخ (ابوالعباس ابن ابی الفضل اسعد ابن حلوان) یکی از اطباء و حکمای معروف اسلامی است . تولدش بسال ۵۹۳ هجری در دمشق باتفاق پیوسته ؛ در شعر و انشاء فرید عصر خویش بوده ؛ در ادبیات ید طولی و در نواختن عود و خط خوش مهارتی بسزا داشت . در اوائل سمت طبابت وزارت ملک مسعود (صاحب آمد) را داشته ، بعدها بخدمت صاحب حصص ملک اشرف ابن منصور بسر میبرد . و بسا اشخاص از او استفاده ها برده اند و فائش بسال ۶۲۳ هجری و از آثار مشهور او کتاب المهملات فی کتاب الکلیات ، کتاب المدخل الی الطب و غیره است .

و علاوه؛ اشخاص متعدد دیگری نیز قانون را شرح یا اختصار و تلخیص نموده اند، که اگر ما به تحریر اسامی همه آنها به پردازیم دامنه کلام بطول انجامد. لهذا بهمین اندازه اکتفا نموده، فقط در اینجا به تحریر اسما بعضی از اختصار و تلخیصات معتبر آن می پردازیم. از جمله اشخاصی که قانون را اختصار و یا تلخیص نموده اند، یکی حکیم ابو سعید ابن ابی السرور الاسرائیلی السامری العسقلانی است؛ که بنام خلاصة القانون آنرا خلاصه نمود. و دیگر شیخ داؤد انطاکی (متوفی ۱۰۰۶ هجری) هم آن را شرح و هم اختصار نموده است. و هم چنین بنام المکنون نیز مختصر قانون موجود است، که اسم صاحب آن معلوم نیست. و این اختصار را استاد الاطبا فخرالدین خجندی بنام تنقیح غلق المکنون، تلخیص نموده.



(اشارات :

وتنبیهاً فی المطلق والحکمة)

نیز یکی از آثار مشهور شیخ است که تا کنون در وطن عزیز ما از جمله کتب درسی در علوم قدیمه محسوب میشود. با وجودیکه این کتاب در یک مجلد تالیف یافته، و یک کتاب کوچکی بنظر می آید. با آنهم دارای نکات عجیب و فوائد غریبه است که اکثر از کتب مبسوط فاقد آنست. شیخ قسمت منطق آنرا در هشت (۸) منبج ایراد، و مجموع قسمت حکمت آنرا در ده (۱۰) نمط بیان و تصنیف نموده است؛ که نمط اول آن در اجسام، دوم آن در جهات، سیوم در نفوس، چهارم در وجود، پنجم در ابداع، ششم در غایات و مبادی، هفتم در تجرید، هشتم در سعادت، نهم در مقامات عارفین و دهم در اسرار آیات، مباحث و معلومات دقیق را حاوی است.

و فخرالدین رازی؛ بر آن شرحی بطور قال اقول نگاشت و در آن اقوال شیخ را

سخت طرف معارضه و تردید قرار داده، بامبالغات عجیب و غریبی پیش آمده، بلکه شیخ را طعن و تشنیع مینماید.

و ازین سبب است که بعضی از طرفا (شرح) او را (جرح) نامیده و یا اینکه بعضی دیگری او را بلقب امام المشککین خوانده اند.

و علاوه بر آن بنام لباب الاشارات نیز، فخر رازی اشارات را در سنه ۵۹۷ هجری تلخیص و بسه قسمت منطقیات، طبیعیات و الهیات ترتیب داد.

و محقق طوسی (علامه نصیر الدین محمد ابن حسن طوسی متوفی (۶۷۹) نیز بسال ۶۷۹ (آخرین سال حیات خود) اشارات را بنام (حل مشکلات الاشارات) شرح قابل اعتبار و اهمی کرده است.

و دیگر از جمله کتبی که بطور شرح و حاشیه یا محاکمه به اشارات شیخ به تصنیف رسیده، مهمترین آن؛ کتبی مشهور بحاکمات از محقق قطب الدین رازی متوفی (۷۶۶) هجری است. که در سنه ۷۵۵ هجری آنرا تصنیف نمود. و در آن کتاب، در بین اقوال و نظریاتی که فخر الدین رازی و علامه طوسی (که هر یک در شرح مصنفه خود بر اشارات نگاشته اند) حکمیت مینماید.

و بقراری که در کشف الظنون چلی نگاشته آمده، وجه نگارش محاکمات چنین استنباط میشود؛ که علامه قطب الدین رازی قسمت از ابحاث و اعتراضات خود را، به نسبت اقوال و نظریات فخر الدین رازی و شرح اشارات او نگاشته، بعلامه قطبی شیرازی عرضه نمود. قطبی شیرازی، پس از واری و مطالعه اعتراضات او، قطب الدین رازی را لائق و سزاوار تصنیف محاکمات دیده، از او طالب تصنیف محاکمات میشود، و همان است که با اشاره و درخواست او (شیرازی)، قطب الدین رازی محاکمات خورا تصنیف مینماید. (کشف الظنون ج اول ص ۱۰۳)

الهدایة فی الطب

نیز یکی از آثار شیخ است در یک مجلد که علامه
علاؤالدین علی ابن نفیس آنرا شرح نموده است .



الانصاف

نیز از مولفات شیخ . و با ستشای کاتب چلبی که در
کشف الظنون آنرا بنام (الانصاف و الاتصاف) قید نموده
سا ترین همه انصاف (به تنهایی) یا کتاب الانصاف
اسم برده اند . بقراریکه نگاشته اند ، این کتاب عبارت از (۲۰) بیست مجلد و دارای
مباحث ، بسوطی در فلسفه است ، محتوی انصاف و حکمیت بین فلاسفه مغرب و حکمای مشرق
(اعنی نظریات آنها) بوده ، به نسبت کتب ارسطو و نظریات فلفی او تشریحات مفصلی
در آن داده شده است ، در تاراج سلطان مسعود تمام مجلدات آن بضیاع رفته و متأسفانه
امروز اثری از آن در میان نیست .



الحاصل والمحصل
خود در بخارا برای ابوبکر البرقی تصنیف نمود ، و کاتب
چلبی در کشف الظنون آنرا (۲۰) مجلد ضبط کرده است ،
و سواي نسخه اصل آن ، نسخ دیگری از آن در میان نیست .

(معلوم نشد که نسخه اصل آن یکجا موجود است للراقم)



سوای الهدایة فی الطب کتابیست در یک مجلد ، و شیخ
 الهدایة فی الحکمة
 آنرا زمانیکه در قلعه (فرد جان) محبوس بود ، از برای
 برادر خود (علی) تصنیف نموده است .

••

دائر به منطق ، طبیعیات و الهیات ، نیز از مولفات
 شیخ است ، که فخرالدین رازی بالای آن شرحی نوشته
 و کاتب چلبی می نویسد که فخرالدین رازی آنرا بعبارت
 قال الشیخ و قال المفسر (رازی) شرح نموده ، خود را
 بنام مفسر یاد کرده است .

هكذا نجم الدين الحكيم (۱) ابن محمد ابن عبدان ابن اللبودي (متوفی ۶۰۶ هجری)
 نیز عیون الحکمة مذکور را اختصار نمود .

••

دائر در اخلاق و عبارت از دو مجلد است که شیخ آنرا نیز
 البر والاثم
 در جهت فقیه ابوبکر البرقی تصنیف نمود . و سوای نسخه نیکه
 در آنوقت سرد فقیه مذکور شده بود ، نسخه دیگری از آن
 در قید تحریر نیامده .

(۱) نجم الدین ابو ذکریا یحیی ابن شمس الدین ابو عبد الله محمد ابن عبدان از اطبای اسلامی
 و در طب ، حکمت ، ادبیات و علوم سائره مهارت تامه را دارا بود . تولدش در حلب ، و بعدها وارد مصر
 شده از طرف صالح نجم الدین ابوبی * بدیوان نظارت اسکندریه تعیین یافت . شخصی بذات فصیح
 و بلیغی بوده ، در عالم ادبیات عرب بسامنشاء و اشعار رائقه دارد . علاوه بر عیون الحکمة ، اشارات
 و کلیات قانون شیخ را نیز اختصار نموده و بطور یقین تا اواسط قرن ۷ هجری در قید حیات بوده است .
 تا تمام

المجموع . يا حكمة العروضية



کتابت در يك مجلد ، كه شيخ آنرا
(بدون رياضيات) در سن ۲۱ سالگي براي
ابوالحسن عروضي تصنيف نمود ، و از
قرينه و اسم آن استنباط ميشود كه در علوم
طبيعي والهييات بوده باشد .

ص ۳ ص مجتبي خان معين دوم وزارت ما ايه



(درو و انگكو) مطالعات فرينكي

برقال جامع علوم انساني .
درو و انگكو هميشه بقم خوز دن معروف است .
(كور ني)

(وطن)

(نا پليون كبير)